

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
و.....	چکیده.....
ح.....	پیشگفتار.....
۲۱-۴.....	فصل اول: بررسی اوضاع سیاسی-اجتماعی و ادبی معاصر.....
۵.....	۱-۱. اوضاع سیاسی عراق.....
۵.....	۱-۱-۱. اشغال انگلیسی ها.....
۶.....	۱-۱-۲. جنبش ۱۹۲۰ م.....
۷.....	۱-۱-۳. کودتای ۱۹۵۸ م و اعلام جمهوریت.....
۹.....	۱-۱-۴. کودتای ۱۹۶۳ م حزب بعث عراق.....
۱۰.....	۱-۲. اوضاع اجتماعی عراق.....
۱۲.....	۱-۲-۱. تضاد و تناقض در محیط خانواده.....
۱۲.....	۱-۲-۲. تضاد و تناقض در جامعه.....
۱۴.....	۱-۳. اوضاع ادبی عراق.....
۱۵.....	۱-۳-۱. بازگشت ادبی.....
۱۷.....	۱-۳-۲. وفور مجالس شعر و ادب.....
۱۸.....	۱-۳-۳. گسترش موشحات.....
۱۹.....	۱-۳-۳-۱. موضوع موشحات معاصر.....
۲۰.....	۱-۳-۳-۲. اغراض موشحات عراق.....
۲۰.....	۱-۳-۳-۳. موشحه در نزد جواهری.....
۵۲-۲۲.....	فصل دوم: زندگی نامه و آثار محمد مهدی جواهری.....
۲۳.....	۱-۲. زندگی نامه جواهری.....
۲۳.....	۱-۱-۲. محیط خانوادگی.....

- ۲۳-۱-۲. پدر جواهری ۲۳
- ۲۳-۱-۳. شهرت خانوادگی ۲۳
- ۲۴-۱-۴. کودکی جواهری ۲۴
- ۲۶-۱-۵. از جوانی تا مرگ جواهری ۲۶
- ۲۸-۲. شعر جواهری ۲۸
- ۳۸-۱-۲-۱. سیر تطوّر شعر جواهری ۳۸
- ۳۹-۲-۲. اغراض شعر جواهری ۳۹
- ۳۹-۱-۲-۲-۱. مدح ۳۹
- ۴۰-۲-۲-۲-۲. رثا ۴۰
- ۴۱-۳-۲-۲-۲. وصف ۴۱
- ۴۱-۴-۲-۲-۲. شعر سیاسی ۴۱
- ۴۴-۵-۲-۲-۲. غزل ۴۴
- ۴۵-۱-۵-۲-۲-۲. زن در بعد اجتماعی و فرهنگی ۴۵
- ۴۵-۲-۵-۲-۲-۲. زن در حوزه ی ارتباط عاطفی ۴۵
- ۴۶-۳-۲-۲. ویژگی های شعر جواهری ۴۶
- ۴۶-۱-۳-۲-۲. خروش انقلابی ۴۶
- ۴۷-۲-۳-۲-۲. تناقض ۴۷
- ۴۸-۳-۳-۲-۲. مردمی بودن ۴۸
- ۴۹-۴-۳-۲-۲. ارتباط ملی ، ناسیونالیستی و انسانی ۴۹
- ۵۰-۳-۲. آثار جواهری ۵۰
- ۵۰-۱-۳-۲. آثار منظوم ۵۰
- ۵۲-۲-۳-۲. آثار منثور ۵۲
- ۶۲-۵۳. فصل سوم: جایگاه جواهری در مکاتب ادبی معاصر عراق ۶۲-۵۳

- ۱-۳. شعر عربی معاصر..... ۵۴
- ۱-۱-۳. کلاسیسم جدید در شعر عربی معاصر ۵۴
- ۱-۱-۳. کلاسیک در عراق..... ۵۵
- ۲-۱-۳. جواهری و مکتب کلاسیک..... ۵۶
- ۲-۱-۳. رمانتیسم در شعر عربی ۵۶
- ۱-۲-۳. رمانتیک در عراق..... ۵۷
- ۲-۲-۳. رمانتیک نزد جواهری ۵۸
- فصل چهارم: وطنیات در اشعار محمد مهدی جواهری ۶۳-۱۸۷
- ۱-۴. شعر وطنی ۶۴
- ۱-۱-۴. حمایت از قهرمانان ملی و پیشتازان ملی گرایان در عراق..... ۶۵
- ۲-۱-۴. زدودن فقر و نکوهش ثروتمندان و به تصویر کشیدن صحنه های فقر..... ۶۷
- ۳-۱-۴. آزادی زن ، اعطای حق آزادی همسر و حق تحصیل و مشارکت زنان در مسائل زندگی..... ۶۷
- ۴-۱-۴. دعوت به همبستگی ملی و ترک تعصب های دینی و مذهبی..... ۶۸
- ۵-۱-۴. جنبه سیاسی شعر وطنی جواهری..... ۶۸
- ۶-۲-۴. شعر شور و اشتیاق به وطن ۷۰
- ۲-۴. قصاید وطنی ۷۱
- ۷۷ - جنبش عراق.....
- ۱۰۲ - ای ملت ۱۰۲
- ۱۰۷ - علم و وطن..... ۱۰۷
- ۱۱۶ - دیار را ترک گفتمی..... ۱۱۶
- ۱۲۱ - درود بر سرزمین رصافه ۱۲۱
- ۱۲۷ - ای سرکشان..... ۱۲۷
- ۱۴۵ - هاشم الوتری..... ۱۴۵

۱۸۶.....	- بغداد در صبح
۱۸۸.....	نتیجه گیری.....
۱۹۱.....	الخلاصة العربية.....
۲۰۰.....	فهرست اعلام.....
۲۰۲.....	فهرست منابع فارسی.....
۲۰۳.....	فهرست منابع عربی.....
۲۰۶.....	چکیده انگلیسی.....

شکر و تقدیر:

در مراحل گوناگون نكاش و تدوین پایان نامه ی حاضر و امدار استادان گرانمایه ای، بسم که در هر مرحله، از ر، نمودهای عالمذی آنان بهره ی فراوان جسته ام و در اینجا قدم های خیر خواهند، یکایشان ر ارج می گذارم و فروتنانه سپاسشان می گویم:

استادان ارجمند:

جناب آقای دکتر علیرضا میرزاحمد (استاد راهنما)

جناب آقای دکتر فیروز حریری (استاد مشاور)

جناب آقای دکتر مهدیزادگان (استاد مشاور)

همچنین خود را بدیون الطاف همه ی معلمانی می دانم که بر آستان آموزشهای پاک و بی چشمداشتان زانوی شکرودی زده ام و در اینجا بر دستان مهربانان بوسه تواضع می نمم.

و شکر می کنم از همسر فداکارم که با سگیابی و صبوری خود، سنگینی مشکلات را بر من هموار نمود تا این مسیر را با خاطری آسوده پیمایم که اگر کمک و یاری او نبوده چه بسا راه را به پایان نمی بردم.

من الله التوفیق

۲۴ رمضان ۱۴۳۰

معصومه سنجابی

چکیده

این پایان نامه، با هدف شناخت افکار و دیدگاه شاعر بزرگ عرب، محمد مهدی جواهری نسبت به مسائل وطنی، سیاسی، اجتماعی و ادبی که برای بیداری مردم سروده، صورت پذیرفته است.

به این صورت که در اوضاع و احوال سیاسی معاصر عراق اشغال انگلیسی ها، جنبش ۱۹۲۰ م، کودتای ۱۹۵۸ م و اعلام جمهوریت عراق و کودتای ۱۹۶۳ م و حزب بعث عراق را مورد بررسی قرار داده ایم، سپس به توصیف اوضاع اجتماعی معاصر عراق همچون تضاد و تناقض موجود در جامعه پرداخته شده است و در ادامه ی آن اوضاع ادبی عراق که شعر جواهری از آن تأثیر گرفته است، در سه محور بازگشت ادبی، وفور مجالس شعر و ادب و گسترش موشحات بیان شده است.

در ادامه ی پایان نامه به زندگی نامه و آثار محمد مهدی جواهری و شعر او به همراه سیر تطوّر شعری شاعر، اغراض شعری و ویژگی های شعری او پرداخته ایم. آنگاه به جایگاه جواهری در مکاتب ادبی معاصر عراق از جمله شعر کلاسیسم معاصر عراق و شعر رمانتیسم و جایگاه شعر رمانتیک نزد جواهری پرداخته شده است.

در پایان تعدادی از اشعار برجسته وطنی - سیاسی وی نظیر جنبش عراق، ای ملت، علم و وطن، دیار را ترک کردی، درود بر سرزمین رصافه، ای سرکشان، هاشم الوتری و بغداد در صبح که به نحوی بازگوکننده ی افکار و ایده های وطنی - سیاسی و اجتماعی ایشان می باشد، از دیوان کامل شعری وی استخراج شده که بخش عمده این پایان نامه را تشکیل می دهد، همراه با توضیح واژه های مشکل، ترجمه ی ابیات و نیز اشاره به برخی استثناءات و نکات نحوی.

واژگان کلیدی : شعر ، وطن ، سیاست ، مردم ، عراق و جواهری

پیشگفتار

تعریف مساله:

حس وطن دوستی و ملی گرایی نسبت به یک خاک و سرزمین باعث تحکیم سرزمین و حفظ فرهنگ و تمدن آن کشور خواهد شد حال اگر این حس توسط شعر به مردم منتقل شود بهتر در ذهن و افکار مردم باقی و پایدار خواهد ماند.

بیان سوالهای اصلی پژوهش :

۱- آیا جواهری موافق حکومت حاکم بوده یا مخالف؟

۲- وطنیات در اشعار جواهری قشر خاصی از جامعه را مورد خطاب قرار می دهد یا کل جامعه را؟

فرضیه های پژوهش :

جواهری در طول حیات خود به مسائل سیاسی و اجتماعی زمان خود پرداخته و اشعار وی دربردارنده مطالب سیاسی و اجتماعی می باشد.

هدفهای پژوهش :

هدف از این پژوهش شناخت افکار و دیدگاه شاعر عرب جواهری نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی زمان خود بوده و اینکه وی از چه نوع ادبیات گفتاری در شعر خود برای بیداری مردم مدد جسته است .

روش انجام پژوهش :

اشاره به زندگی نامه و ترجمه اشعار ملی - وطنی جواهری همراه با ذکر برخی نکات نحوی دارد .

جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش

در این پژوهش تمرکز بر اوضاع اجتماعی بغداد، وضعیت معیشت مردم، اوضاع سیاسی حکومت، رابطه بین مردم و حکومت و نقش جواهری در اصلاح جامعه عراق پرداخته شده است.

فصل اول:

بررسی اوضاع سیاسی – اجتماعی و ادبی معاصر
عراق

۱-۱. اوضاع سیاسی عراق

از ۱۹۲۱ م تا ۱۹۵۸ م در دوران ۳۷ ساله نظام سلطنتی، پادشاهان عراق یعنی فیصل اول، ملک غازی، فیصل دوم وابسته به بریتانیا بودند. تنها یکی از نخست وزیران یعنی نوری سعید چهارده بار نخست وزیر بود و از ابتدای سلطنت فیصل اول تا ۱۹۵۸ م همه مجالس عراق را آلت دست خود کرده بود. در دوره حکومت چهار ساله سرهنگ قاسم که با کودتای خونین ژوئیه ۱۹۵۸ م آغاز شد، به بهانه مبارزه با ضدانقلاب همواره در سراسر عراق حکومت نظامی برقرار بود و از پارلمان خبری نبود. از کودتای بعثی ۱۹۶۳ م تا سقوط بغداد و رژیم صدام در آوریل ۲۰۰۳ م در مدت چهل سال مردم عراق شاهد بیش از ۱۰ کودتای نظامی خونین و سپس حکومت های نظامی بودند. تنها در اواخر حکومت جابرانه صدام حسین که در مدت یک ربع قرن تنها نامزد ریاست جمهوری بود، فقط یک مجلس یکپارچه ی بعثی به ریاست عدی فرزند صدام تشکیل شد. پس از سقوط صدام و استقرار قوای بیگانه تا ژانویه ۲۰۰۵ م فقط با حسن تدبیر آیت الله سیستانی برای پایان دادن به بی ثباتی و سرعت بخشیدن به خروج قوای خارجی مردم جرات کردند که در صحنه ی یک انتخابات واقعی حضور پیدا کنند. نتیجه هم معلوم شد ، زیرا لیست های انتخاباتی که مورد تأیید آیت الله سیستانی بودند ، حائز اکثریت شدند.(شاه محمدی ، ۲۰۰۵ م)

۱-۱-۱. اشغال انگلیسی ها

سرزمین عراق به خاطر موقعیت اجتماعی ویژه و اهمیت استراتژیک ، از قرن ۱۷ مورد توجه قدرتهای بزرگ بخصوص استعمار انگلیس بود ، از این رو وقتی که ترکیه عثمانی دوشادوش آلمان ، در مقابل انگلیس و هم پیمانانش می ایستد (۱۹۱۴ م) این امر ، بهترین دستاویز برای انگلستان می شود تا عراق را به اشغال خود درآورد . نیروهای انگلستان قسمتی از اراضی عراق را در جنگ جهانی

اول به اشغال خود در آوردند و بعد از وارد شدنشان به عراق اعلام کردند که : ما فقط برای نجات ستمدیدگان وارد شده ایم ، اما دولت انگلیس قبل از دستیابی به این موقعیت ها از جمله : حاکم شدن به موقعیت جغرافی و سیاسی آن ، پی بردن به اهمیت سیاسی و یا بیمه کردن ارتباط دریایی با هند بر سر منابع اولیه به خصوص نفت ؛ به عراق چشم داشت . (لباف ، ۲۵۳۵ هـ ، ص ۱۱۰-۱۱۱ با تصرف)

۱-۱-۲. جنبش ۱۹۲۰م

اولین واکنش گسترده ی مردم عراق علیه سلطه و استعمار غرب بود . مردم عراق پس از رهایی از دست نیروهای انگلیسی در سال ۱۹۱۷ م و بیرون کردن نیروهای عثمانی ، به جای دست یابی به آزادی و استقلال ، خود را زیر سلطه استعمارگر جدید دیگری دیدند . قرارداد «سان ریمو» در این سال عراق را تحت قیمومت انگلیسی ها قرار داد . (لباف ، ۲۵۳۵ هـ ، ص ۱۱۲-۱۱۴ با تصرف)

به همین دلیل با وجود ستمها و ظلم های امپراطوری عثمانی نسبت به عراقی ها، هنگامی که بصره به اشغال انگلیسی ها در آمد ملت عراق نیز قیام کردند و جنبش ۱۹۲۰ م شعله ور شد و دولت انگلستان اقداماتی را برای خاموش این جنبش از جمله : تفتیش خانه ها و دستگیری فعالان سیاسی ، انداختن آنان به زندان و اعدام مبارزان و رهبران دینی را در دستور کار خود قرار داد . در همین وقت مجتهد شیرازی فتوایی داد که باید عراقی ها حقوق خود را مطالبه کنند. (قَدْوَرَة ، ۱۹۷۵ م ، ص ۱۲۶-۱۲۷)

این انقلاب که تحت رهبری علمای نجف و کربلا به وقوع پیوست، هدفش برپایی حکومت اسلامی در عراق آزاد از سیطره ی بیگانگان بود. در همان وقت مرجعیت بارز آن زمان شیخ محمد تقی حائری مشهور به شیرازی اهداف حقیقی انقلاب را بیان داشت. وقتی نیروهای انگلیسی خواستند که یک انگلیسی را حاکم ثابت و دائم عراق تعیین کنند و عراقی ها نقش مشاور او را داشته باشند، چنین فتوا داد : «هیچ مسلمانی نمی تواند غیرمسلمانی را برای حکومت مسلمانان انتخاب کند.» وقتی

انگلیسی ها خواستند که به غارت و چپاول ثروتهای عراق بپردازند ، فتوای دومی را صادر کرد. طبق این فتوا بر تمام عراقی ها واجب بود که ثروتهای خود را بازگردانند. در این فتوا آمده است: «مطالبه حقوق بر تمام عراقی ها واجب است و بر آنان واجب است که ضمن این درخواست، رعایت صلح و ثبات و امنیت را هم بکنند و اگر انگلیسی ها از قبول خواسته های ایشان سرباز زدند، استفاده از قدرت دفاعی برای آنان جایز است.» (بینات ، ۱۴۳۰ ق)

این انقلاب نتوانست اهداف خود را تحقق بخشد و علت آن هم به بعضی ویژگی های جامعه عراق باز می گردد ، چرا که اندیشه ی جهاد و مبارزه در ذهن بسیاری از شیوخ قبایل رسوخ نکرد. از دیگر عوامل می توان از نبود حمایت خارجی ، ضعف رهبری به طور کلی و نبود قدرت برای کشتار جمعی و پیشبرد اوضاع سیاسی - نظامی به شکل جزئی ، عدم تشکیل سازمانها و ارگان های اداره کننده فعالیت های جنبش ، پایین بودن سطح فرهنگی مردم و عدم تبلیغات در بین آنها نام برد.

الزیدی ، ۱۹۹۰ ، ص ۶۷-۶۵ با تصرف)

۱-۳-۱. کودتای ۱۹۵۸ م و اعلام جمهوریت

در سال ۱۹۵۳ م فیصل دوم به سن قانونی رسید و پادشاه عراق شد، در حالی که نفوذ انگلیسی ها از طریق جانشین قبلی همچنان پابرجا بود و نوری سعید هم حاکم بر عراق بود . انگلیس توانست در سال ۱۹۵۵ م تا حدودی با عراق ارتباط برقرار کند مبنی بر این که عراق را از جریان آزادی بخش عرب دور نگه دارد و این اولین تلاش برای به حاشیه کشیدن عراق نبود . (قدوره ، ۱۹۷۵ م ، ص ۱۵۰-)

(۱۵۱)

در بامداد روز ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ م ، زمانی که رهبران ایران و پاکستان و ترکیه در استانبول منتظر نوری سعید نخست‌وزیر عراق و ملک فیصل دوم پادشاه و شاهزاده عبدالله نایب السلطنه ی سابق این

کشور بودند تا یکی از اجلاس‌های دوره‌ای پیمان «بغداد» را برگزار کنند، کودتایی خونین در عراق به حیات رهبران رژیم پادشاهی این کشور خاتمه داد. (حجت ، ۱۳۸۷)

جمعی از افسران نظامی با انجام یک کودتای نظامی رژیم سلطنتی را سرنگون و رژیم جمهوری را بر پا ساختند. فرد نخست کودتا، سرتیپ عبدالکریم قاسم و دستیارش سرهنگ عبدالسلام عارف بود و گروهی موسوم به «افسران آزاد» به فرماندهی سرتیپ عبدالکریم قاسم فرمانده نیروهای مسلح عراق، بانی این کودتا بودند. کودتا با هیچ مقاومتی روبرو نشد. نوری سعید که متواری شده بود بعد از مدت کوتاهی دستگیر و به وضع فجیعی کشته شد. (حجت ، ۱۳۸۷ ش و غفاریان ، ۲۰۰۵م)

عبدالکریم قاسم که در هنگام کودتا ۴۴ سال داشت، در فاصله‌ی سالهای ۱۹۴۰ م تا ۱۹۵۶ م توانسته بود تمامی مدارج نظامی ارتش عراق را طی کند و به فرماندهی آن دست یابد. او توانسته بود عقاید افراطی و چیپگرایانه خود را در فاصله‌ی حداقل دو دهه‌ی پر حادثه عراق از دید رژیم غربگرا و انگلیسی نوری سعید مخفی نگاه دارد و با همین گرایش، حساس‌ترین منصب نظامی کشور یعنی ریاست ستاد ارتش عراق را به مدت چند سال بر عهده داشته باشد. (حجت ، ۱۳۸۷ ش) عبدالکریم قاسم فرماندهی کل نیروهای مسلح ، نخست وزیری و وزارت دفاع را عهده دار شد و سرهنگ عبدالسلام عارف به سمت معاون فرمانده کل نیروهای مسلح ، معاون نخست وزیری و وزیر کشور منصوب شد. (همان)

طولی نکشید که بین رهبران انقلاب اختلاف افتاد. در ۱۹ ژوئیه ۱۹۵۸ م عبدالسلام محمد عارف بدون مشورت با قاسم برای اتحاد با فدراسیون مصر و سوریه به دمشق رفت و با عبدالناصر ملاقات کرد، ولی در بازگشت به بغداد مورد توبیخ قاسم قرار گرفت. سرهنگ قاسم عراق را برای عراقی‌ها می‌خواست و مخالف اتحاد با مصر بود. لذا در ۳۰ سپتامبر ۱۹۵۸ م عارف را از کلیه مشاغل معاف

کرد و وی به عنوان سفیر عراق عازم بن در آلمان غربی گردید. عارف در پنج نوامبر ۱۹۵۸م مخفیانه به عراق بازگشت و به اتفاق رشید عالی گیلانی و افسران طرفدار خودش توطئه‌ی کودتایی را بر ضد سرهنگ قاسم ترتیب داد. این کودتا عقیم ماند و عارف دستگیر شد. طرفداران عارف و عبدالناصر به فعالیت‌های خود بر ضد قاسم ادامه دادند. (غفاریان، ۲۰۰۵م، با تلخیص)

سرهنگ قاسم نه به غرب وابستگی داشت و نه به شرق. قاسم برای جلب کمک مالی و نظامی شوروی در ۲۵ مارس ۱۹۵۹م عراق را از پیمان بغداد خارج کرد و عملاً این پیمان ضد شوروی را منحل نمود. در هفت اکتبر ۱۹۵۹م، سرهنگ قاسم مورد سوءقصد جوان ۲۲ ساله‌ای به نام صدام حسین عضو حزب بعث قرار گرفت. (همان)

۱-۱-۴. کودتای ۱۹۶۳م حزب بعث عراق

در سال ۱۹۶۳م حزب بعث کودتایی را علیه عبدالکریم قاسم ترتیب داد. سرهنگ قاسم در برابر کودتا مقاومت کرد تا آن که توسط کودتاچیان دستگیر و به ایستگاه رادیو و تلویزیون در ابوغریب منتقل شد. سرهنگ عارف که به عنوان رئیس جمهور معرفی شده بود، سرهنگ قاسم و یارانش را روی صندلی تیرباران کرد و سرلشکر احمد حسن البکر نخست وزیر گردید. (همان، با تصرف)

در اوایل نوامبر ۱۹۶۳م احمد حسن البکر و صدام در نظر داشتند که با دولت جدید بعثی سوریه یک فرماندهی واحد ایجاد کنند و سرهنگ «عبدالسلام محمد عارف» را از پست ریاست جمهوری حذف نمایند. در ۱۸ نوامبر ۱۹۶۳م برادر رئیس جمهور یعنی سرهنگ عبدالرحمان محمد عارف طی کودتایی احمد حسن البکر و کابینه‌ی بعثی را برکنار و قدرت را به برادرش سرهنگ عبدالسلام محمد عارف بازگردانید. (همان)

در جریان توطئه ای، سرهنگ عبدالسلام محمد عارف طی انفجار هلی کوپترش در ۱۶ آوریل ۱۹۶۶م که عوامل بعثی در آن شرکت داشتند، در نزدیکی بصره به قتل رسید. بلافاصله برادرش سرهنگ عبدالرحمان محمد عارف به ریاست جمهوری رسید. (همان، با تلخیص)

در ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸م صدام حسین با همکاری هوادارانش، دست به کودتا زدند و عبدالرحمان عارف را به لندن تبعید نموده و سرهنگ احمدحسن البکر به عنوان رئیس جمهور و فرمانده سراسری حزب بعث عراق و صدام حسین در پست جانشین فرماندهی حزب بعث معرفی شدند. (همان)

صدام حسین نقشی کلیدی در کودتای سال ۱۹۶۸ م، داشت. حزب بعث عراق پس از حمله نظامی ایالات متحده آمریکا و متحدانش به عراق در سال ۲۰۰۳ م، قدرت را از دست داد و صدام حسین در دادگاه عالی عراق محاکمه و به جرم جنایات علیه مردم عراق به اعدام با چوبه دار محکوم گردید و در سال ۲۰۰۶ م، در بغداد به دار آویخته شد.

۱-۲. اوضاع اجتماعی عراق

وضعیت اجتماعی عراق به تبعیت از وضعیت سیاسی آن مطلوب نبود. مردم عراق عمدهً روستایی بودند و مظاهر زندگی آنان ساده و بی آرایش و به دور از تجمل و رفاه بود. اقتصاد عراق به طور کلی بر پایه ی زراعت و کشاورزی قرار داشت و علاوه بر آن صنایع ابتدایی و تجارت نیز در شهرها رواج داشت.

در عراق طبقات اجتماعی مختلف به چشم می خورد که از آن جمله می توان به تاجران بزرگ، فئودال ها و زمین داران اشاره کرد که عمدهً از طبقه ی ممالیک و اتراک بودند و از پشتوانه ی محکمی برخوردار بودند. اینان به واسطه ی قدرتی که داشتند از انجام هر نوع ظلم و ستم بر دیگر

شهروندان دریغ نمی ورزیدند که از آن جمله ، گرفتن مالیاتهای سنگین از مردم و زیر فشار قرار دادن طبقه ضعیف جامعه بود .

با چشم پوشی از این طبقه ی اقلیت که عمدهً از سران حکومتی بودند و کارهای دولتی را برعهده داشتند، اکثریت مردم عراق در فقر و تنگدستی روزگار می گذرانند و از ناامنی و بی عدالتی ، هرج و مرج کشور ، فقر و فساد ، دزدی و غارت ، جنگ و نزاع های پی در پی ، آشوب و تخریب و ظلم و جور والیان رنج می بردند .

به طور کلی عراق ، سرزمینی بازمانده از رشد و آبادانی ، پیشرفت و سازندگی و دور از فرهنگ و دانش آن روز بود و مردم در جهل و خرافات ، تعصب و جمود فکری و معنوی غوطه ور بودند و در فقر و نکبت به سر می بردند که ارمغان آن فقدان امنیت و ثبات در شهرها و روستاها ، دزدی و راهزنی ، گرفتن رشوه و مالیات های سنگین از مردم و نزول بلایای طبیعی چون سیل ، طغیان رودخانه ها و شیوع بیماریهای فراگیر همچون طاعون و وبا بود که اسباب و دلایل آن را باید در سیاست های غلط امپراطوری عثمانی جستجو کرد که با اهمال و کوتاهی در امر اداره کشور نه تنها بی نظمی و ناامنی ، فساد و هرج و مرج را در کشور گسترش داده بود، بلکه راه های نفوذ بیگانگان در کشور و استثمار سرمایه های ملت را نیز باز کرده بود . علاوه بر این موارد وجود اختلاف بین فرقه های مختلف و مذاهب گوناگون و جنگ و نزاع و آشوب بین آنها ، نژاد گرایی و تعصب های کورکورانه و تکیه کردن بر سنت ها و باورهای غلط و ریشه دواندن هنجارهای ناروا بین آنها به دلیل جهل و نادانی و محدود بودن افکار و فرهنگ ها ، از دیگر مواردی بود که اجازه ی رشد و پیشرفت را از مردم عراق گرفته بود و این خود سبب شده بود نوعی جمود فکری ، خمول اندیشه و رکود علمی در جامعه حکم فرما شود .

زن در عراق وضعیت بسیار ناگوار و تأسف انگیزی داشت . او از تحصیل علم و دانش محروم بود و به او اجازه شرکت در فعالیت های اجتماعی و حضور در اماکن عمومی داده نمی شد و بیم آن می رفت که مبدا فراگیری علم و حضور در صحنه های جامعه او را به فساد بکشاند و عفت و پاکدامنی او را خدشه دار بکند ، همچنان که حق اظهار رأی و عقیده حتی در امر ازدواج به او داده نمی شد . اینگونه زن در عراق از طبیعی ترین حقوق خود ، به عنوان یک انسان محروم بود و آزادی و حقوق او به طور کامل پایمال می گشت .

جواهری در چنین محیط اجتماعی رشد و نمو یافت ، جامعه ای سرشار از تنوع و تناقض ؛ از زمانی که او نسبت به خویش و جامعه پیرامونش شناخت پیدا کرد ، خود را در میان افراد و گروههایی یافت که ویژگی های ضدو نقیض داشتند .

۱-۲-۱. تضاد و تناقض در محیط خانواده

در محیط خانواده ، تناقض در وجود پدر نمایان می شود . او که خود پایبند به احکام اسلام است ، ولی در عین حال سلب آزادی از جواهری خود با نص صریح دین اسلام تناقض دارد . همچنین جدا کردن وی از هم سن و سالان و محرومیت از بازی های کودکانه و جلوگیری از روی آوردنش به شعر و ادبیات ، با وجود اینکه پدرش خود شاعر است و این میراث شعری در خانواده او ریشه دوانیده است ، این نیز دلیل دیگری بر این مدعا است . (جبران ، ۲۰۰۳ ، ص ۲۳-۲۴ با تصرف)

۱-۱-۲. تضاد و تناقض در جامعه

در مورد جامعه نیز این تناقض در ابعاد مختلف آن وجود دارد : فقر و غنا ، ایمان و کفر ، خشونت و محبت ، استضعاف و استکبار و ... کودکی که در چنین محیطی پرورش یابد ، خواه ناخواه این

تناقضات در روحیه او تأثیر می‌گذارد و دارای شخصیتی دو گانه و حتی چند گانه می‌شود. این اعمال و روحیه خاص او در اشعارش به روشنی دیده می‌شود:

واهاً لنفسي من جمع النقيض بها نقبضه جمع تحريك و تسكين

از جمله موارد تناقض در محیط نجف، وجود افرادی با ظاهر روحانی و مقدس است که از جهل و ساده لوحی مردم در امور مذهبی سوء استفاده می‌کنند.

از دیگر نمونه‌های تناقض در جامعه‌ی جواهری، جلوگیری علمای دین از آموزش و پرورش زنان و دختران و اعتراض آنها به افتتاح مدرسه‌ی ویژه دختران است، در حالی که آیات و روایات و احادیث وارده بر ضرورت سواد آموزی و تعلیم و تربیت همه‌ی قشرهای جامعه، اعم از زن و مرد، کودک و بزرگ بسیار تأکید دارد.

وجود دو قشر فقیر و غنی، حاکم و محکوم و قوی و ضعیف و ...، دوگانگی روحی شدیدی را در هر فرهیخته و روشنفکری بر می‌انگیزد و او را میان این دو گروه سرگردان می‌سازد.

وجود این تناقضات در جامعه، بدون شک در روح و نفس شاعر تغییر و تحول ایجاد می‌کند که در الفاظ و مضامین اشعار وی تأثیر می‌گذارد. جواهری با آوردن الفاظ ضد و نقیض در اشعارش قصد دارد وضع جامعه‌ی زمانه‌ی خویش را با زبانی گویا به تصویر بکشد؛ گویی اشعارش آینه‌ای است که تناقض‌های حاکم بر جامعه را به وضوح در مقابل دیدگان بیننده منعکس می‌کند.

« من زاده تناقض‌ها و تعارض‌ها در همه ابعاد آن هستم ... و از آنجا که در محیطی آکنده از تضادها تولد یافته‌ام، فراز و فرود را که از حالات انسانی است، در من می‌یابید » (شعبان، ۱۹۹۷ م،

ص ۱۴۶)

۱-۳. اوضاع ادبی عراق

تقریباً تا اواخر قرن ۱۹م وضعیت عمومی شعر تغییر عمده ای پیدا نکرد و سیر نزولی عصر انحطاط تا این دوره نیز ادامه داشت. به طور کلی عدم رشد فکری و آگاهی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در بین شاعران و عامه ی مردم، عدم روشنفکری و آزاد اندیشی و ژرف نگری در حقایق پیرامون جامعه، تنزل سطح فرهنگی جامعه، عقب ماندگی و جمود اندیشه، از دلایل ضعف شعر و ادب در این دوره بود، کما اینکه وخامت اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تأثیر قابل توجهی بر شعر این دوره نهاد. شعر در این برهه، از نظر مضمون و محتوا، و شکل و چارچوب و ساختار کلی قصیده، تغییر و تحول عمده ای پیدا نکرده و تفاوت چندانی در آن با دوره های قبل مشاهده نمی شود، به طوری که شاعران همچنان در قالب های قدیمی و کلاسیک و مضمون های تکراری دور از هرگونه ابداع و نوآوری، به نظم شعر می پردازند.

اما با آغاز قرن ۲۰ و با بالا رفتن سطح فکری مردم و بینش و آگاهی اجتماعی و بیداری اندیشه های خفته، شعر عربی وارد عرصه ی جدیدی شده و به رشد و شکوفایی بالایی می رسد و دچار تغییر و تحول چشمگیری در زمینه ی مضمون و محتوا می گردد و از حصار مضامین محدودی چون مدح پادشاهان و والیان و گرایش های فردی رهایی یافته، وارد مضامین اجتماعی گسترده ای می شود. شاعر، دیگر برای منفعت های شخصی و به رخ کشیدن قدرت شعر پردازی خود در قالب آرایه های ادبی و صناعات لفظی و لغات دشوار و تکلف شعری نمی سراید، بلکه به مضمون و محتوا پرداخته، با احساساتی پرشور و عواطفی گرم از مشکلات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مردم سخن می راند و با انعکاس دردهای نهفته ی قشر محروم و مستضعف در شعر به بیان خواسته ها، آرمان ها و آرزوهای خاموش و سرکوب شده آنان می پردازد و همچون طبیعی دلسوز، مرهمی را

برای زخم های کهنه ی هموطنان خویش جستجو می کند . دیگر شعر از مردم و مشکلات آنها کناره گیری نمی کند ، بلکه به حل معضلات موجود در جامعه پرداخته ، با ارائه پیشنهاد های سازنده و مفید برای رفع آنها تلاش می کند و با ذکر عیوب ، کاستی ها و نقایص با صراحت تمام ، پرده از حقایق تلخ موجود در جامعه بر می دارد و مشکلاتی چون فقر ، فساد ، جهل و بی سوادی ، ظلم و جور حکمرانان بر مردم ، عقب ماندگی کشور در زمینه های مادی ، معنوی و فکری ، نابسامانی اوضاع اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ، ناامنی ، بی عدالتی و وابستگی شدید کشور در زمینه های مختلف را در شعر به تصویر می کشد .

علاوه بر این ، شعر این دوره با ورود به عرصه سیاست به مبارزه با استبداد و استعمار انگلیس می پردازد ، به طوری که اربابان زور و قدرت از این سلاح تأثیر گذار بر مردم و از قلم ماهر و سخنان نافذ شاعران به هراس می افتند که مبدا این حقایق و برملا شدن نقشه های شوم سیاستمداران باعث قوی شدن حس وحدت و همبستگی در مردم و در نتیجه ، شورش و قیام آنها شود و دشمنان را در صحنه سیاست به شکست و رسوایی بزرگی بکشاند . با اینکه می بینم شاعرانی سیاسی همیشه از سوی سیاستمداران غاصب در معرض دستگیری ، زندان ، تبعید و شکنجه قرار گرفته ، به طریق مختلف آزار و اذیت می شوند ، ولی هیچگاه از آرمانهای والای خود برای رهایی مردم و رسیدن کشور به عزت و استقلال ، تحقق واژه هایی همچون آزادی ، عدالت و رفاه اجتماعی دست نمی کشند .

۱-۳-۱. بازگشت ادبی

به علت شباهت های بسیاری که میان محیط رشد ادبیات عرب در زمان عباسی و عصر جواهری وجود داشت ، عراق بطور کلی و به خصوص نجف از ادبیات دوره ی عباسی بسیار متأثر گردید. از

میان شاعران نجف ، جواهری بیش از سایر شاعران زمان خویش از ادبیات شکوفای عصر عباسی تأثیر پذیرفته و متنبی را سرمشق خط مشی ادبی خود قرار داده است این امر بیانگر وجوه اشتراک آن دو است که عبارتند از :

۱- محیط رشد و نمو : متنبی در کوفه رشد یافت و جواهری در نجف. در واقع هر دو در محیطی مذهبی ، که ادبیات دینی در آن رواج بسیار داشت ، پرورش یافتند و این در شکل گیری مذهبی آنها نقش بسیاری داشت .

۲- وضعیت معیشتی : هر دو شاعر در زندگی با فقر و تنگدستی دست به گریبان بودند و لحظه ای از دفاع از حقوق و آزادی مردم غافل نبودند .

۳- حضور در دربار و آشنایی با سیاست : متنبی در کنار « سیف الدوله » بود و جواهری در دربار « ملک فیصل اول » . هر دو به قصد دخالت مفید در امور مملکتی ، پیشرفت مملکت ، حفظ حقوق مردم و دفاع از استقلال کشور به دربار راه یافتند.

۴- ترک اجباری وطن و زندگی در غربت : متنبی به دلیل عقاید قرمطی خود از وطن رانده شد (الفاخوری ، ۱۳۷۷ش ، ص ۵۹۹) و جواهری نیز به سبب عقاید چپ گرا و مخالفت با حکومت و درباریان تبعید شد. در نتیجه ، بدگویی هایی حسودان از این دو شاعر بزرگ باعث شد چهره آنان نزد حاکم و دربار مخدوش شود. و هر دو با رانده شدن از سرزمین پدری و گذراندن بهترین سالهای عمر در غربت و تبعید پاداشی نگرفتند .

جواهری همچین از سایر شاعران عباسی مثل ابو تمام ، بحتری و ابو العلاء معری تأثیر پذیرفت .